

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۲

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال دوم، شماره ۷، زمستان ۱۳۹۲

آسیب‌شناسی تحصیل زنان و راهکارهای مرتبط با نقش زمینه‌ساز آنان

راضیه علی‌اکبری*

چکیده

در جامعه زمینه‌ساز، شرایط لازم برای پذیرش ولایت و حاکمیت حضرت حجت (ع) فراهم است. چنین جامعه‌ای از خانواده‌های کوچک شروع می‌شود و گستره جهان اسلام را دربر می‌گیرد. اما متأسفانه امروزه ساختار و کارکرد خانواده‌ها به گونه‌ای نیست که بتوانند زمینه‌ساز ظهور باشند. امروزه موضوع تحصیل و اشتغال زنان، از جمله عوامل آسیب‌زا در خانواده‌ها به شمار می‌رود. اگرچه فرصت تحصیل برای زنان در شکل‌گیری و پیشرفت جامعه و پرورش نسل‌های منتظر تأثیر دارد، اما در عصر جدید، تحصیل زنان با گسترش فرهنگ غرب در زندگی‌شان همراه شده و آسیب‌های بسیاری به همراه داشته است. گرایش آنان به تحصیلات، سبک زندگی اسلامی را تغییر داده و توسعه حضورشان در مجامع علمی و دانشگاه‌ها، کمابیش منجر به دگرگونی در خانواده شده است؛ در حالی که زنان، در پرورش افراد جامعه رسالت تربیتی دارند و بیش از هر فردی می‌توانند جامعه را در زمینه‌سازی برای ظهور آماده کنند. اما مسئله تحصیل آنان، مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، آسیب‌هایی در زندگی به همراه دارد که باید با ارائه راهکارهای مناسب و جامع‌نگر، به کاهش آن‌ها و جهت‌دهی به سمت نقش زنان در زمینه‌سازی ظهور پرداخته شود.

واژگان کلیدی

جامعه زمینه‌ساز ظهور، زنان، تحصیل، آسیب‌ها، راهبردها.

* دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب قم (aliakbari.qom@gmail.com).

مقدمه

امروزه پدیده جهانی‌سازی فرهنگ منحنی مادی، به امری گسترده تبدیل شده و تمدن مادی توانسته از جوانب مختلف، نفوذ خود را در سایر جوامع نهادینه کند. به طور طبیعی جوامع اسلامی و همچنین قشر عظیمی از بانوان جامعه نیز از تأثیرات این موج عظیم بی‌آسیب نماندند و شرایط تاریخی پس از دو جنگ جهانی سبب شد برنامه ریزی برای تحصیل زنان در دستورکار دولت‌ها قرار گیرد (کینگ و هیل، ۱۳۷۶: ۱۲).

در اسلام نیز از همان آغاز، به فراگیری علم به عنوان فریضه، برای مرد و زن تأکید شد (احسائی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۷۰)؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱)

تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است.

از این رو بنا بر آموزه‌های دینی در سبک زندگی اسلامی ایرانی، حق تحصیل زنان با در نظر گرفتن شرایطی از جمله تناسب با روحیات زنان، حجاب و عفاف، عدم اختلاط با مردان، تعارض نداشتن با حقوق شوهر و وظیفه مادری به رسمیت شناخته شده و از آن جلوگیری نگردیده است (آذربایجانی، ۱۳۸۸، ۲۹۷)؛ اگر چه فرصت تحصیل برای زنان به عنوان نیمی از جمعیت - که در شکل‌گیری و پیشرفت جامعه و پرورش نسل‌های تازه به طور مؤثر دخالت دارند - مهم تلقی شده، ولی به تازگی تحصیل زنان با گسترش فرهنگ غرب همراه شده و آسیب‌هایی با آن همراه گردیده است؛ زیرا گرایش آنان به تحصیلات، سبک زندگی اسلامی را تغییر داده و توسعه حضورشان در مجامع علمی و دانشگاه‌ها، کم و بیش به دگرگونی در ساختار و کارکردهای خانواده انجامیده است. از سویی نیز هدف از تحصیل برای آنان، برخلاف سبک زندگی سنتی، کسب مهارت‌های خانگی یا افزایش آمادگی برای نگهداری از فرزندان نیست (قانع‌راد، ۱۳۸۵: ۱۱۵)، بلکه ارتقای مهارت‌هایی است که به کسب استقلال اقتصادی، حضور و مشارکت اجتماعی، افزایش دانش، تحصیل هویت و... کمک می‌کند (سوبارائو، ۱۳۷۷: ۱۸).

بنابراین یکی از عرصه‌های تحول زندگی اجتماعی بانوان، تغییرات و تحولات در سبک زندگی بر اثر روند تحصیل آنان است. این تغییر و تحولات، دامنه وسیعی از تغییر باورها و انگاره‌های اجتماعی درباره زنان تا تغییر نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی را در سبک زندگی دربر می‌گیرد. مدرنیته تأثیرگذار بر این سبک، بر مفاهیمی مبتنی است که جهت‌گیری کلی انسان جدید را دگرگون نموده و در حوزه‌های علمی و اجتماعی تحول ایجاد کرده و باید به عنوان

منشأ اصلی آسیب‌ها تلقی شود. از آن‌جا که شاخص مهم مدرنیته «تغییر» است، در این نگاه، همه چیز در جهان در حال تغییر است و در این مسیر تمام نهادها نیز ضرورتاً متحول می‌شوند. بنابراین خانواده و کارکردهای آن نیز به ناچار پایه‌پای تحولات اجتماعی متحول خواهد شد. خانواده مدرن، فردگراست و هر فرد به مصالح خویش می‌اندیشد. برای این اساس زنان در این نوع از سبک زندگی غربی، به تعریف جدیدی از آموزش فراخوانده می‌شوند؛ تعریفی که در آن، میل به ایفای نقش مادری و همسری و روابط خانوادگی و ساختارهای خانواده دستخوش دگرگونی می‌گردد، در حالی که در فرهنگ اسلامی، هدف از تحصیل و افزایش و رشد میزان آگاهی زن، تربیت بهتر فرزندان و انجام بهتر وظایف همسری و مادری اوست. از این رو بررسی آسیب‌های تحصیل زنان و راهکارهایی در راستای ایفای نقش آنان در زمینه‌سازی ظهور، مورد توجه نوشتار حاضر قرار گرفته است.

در این نوشتار در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها هستیم:

- تحصیل زنان چه آسیب‌هایی به دنبال دارد؟

- برای ایفای نقش زنان در زمینه‌سازی ظهور چه راهکارهایی پیشنهاد می‌شود؟

برای دستیابی به اهداف مورد نظر، بررسی اسناد و مدارک و نتایج تحقیقات و پژوهش‌های علمی انجام شده مدنظر بوده است. به منظور بررسی آسیب‌های موجود در مسیر تحصیل زنان و ارائه راهکار برای کاهش این آسیب‌ها، بر اساس آمار و اطلاعات موجود در سایت‌های معتبر جهانی و ایران، به ویژه مطالعات انجام شده و مقالات و کتب مکتوب منتشر شده، این مسئله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از این رو روش تحقیق در مستندسازی، روش تحقیق کتابخانه‌ای است.

۱. آسیب‌های تحصیل زنان

آسیب به معنای آفت، گزند، بیماری و عیبی که بر چیزی عارض شود و موجب فساد و تباهی آن گردد و عارضه‌ای که به هر چه برسد نابودش می‌کند، است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۹، ۱۶). از جمله عوامل مهم و مؤثر بر کارکرد مطلوب هر نظام - اعم از انسانی یا غیر انسانی - شناسایی آسیب‌های آن می‌باشد. این شناخت پایه اصلی تعدیل یا اصلاح آسیب‌ها تلقی می‌شود. بی‌توجهی به آسیب یک عنصر مشخص در هر نظام، نه تنها منجر به تشدید آن خواهد شد، بلکه بر اساس اصل ارتباط متقابل عناصر، به اختلال و ایجاد آسیب در سایر عناصر نظام خواهد انجامید. این موضوع می‌تواند تا آن‌جا پیش رود که آسیب‌های نظام متعدد و پیچیده شده،

به گونه‌ای که گردش کار نظام با اختلال جدی مواجه شود و در نهایت کلیت آن را از کار بیندازد. از این رو آسیب‌شناسی نظام‌های اجتماعی - اعم از خرد و کلان - برای اصلاح و بهبود آن‌ها لازم و با اهمیت است.

فرد، خانواده و جامعه، مثلی را تشکیل می‌دهند که اختلال در هر یک از آن‌ها، سبب ایجاد آسیب‌های بسیاری می‌شود. وجود پیوندهای مستحکم عاطفی بین افرادی که دچار آسیب‌اند، اندک است. از این رو آسیب‌ها، امنیت خانواده و جامعه را به خطر می‌اندازد. نگارنده می‌کوشد آسیب‌های موجود بر سر راه تحصیل زنان را به عنوان یک کل شناسایی کرده و به آسیب‌شناسی خانوادگی و اجتماعی بپردازد، سپس در جهت ایفای نقش زنان در زمینه‌سازی راهکارهایی ارائه کند.

الف) آسیب‌های خانوادگی

یکم. ارزشی نبودن خانواده

از جمله جدی‌ترین آسیب‌های موجود در مسیر تحصیل زنان، «ارزشی نبودن خانواده» است. برای بیشتر زنانی که به کار یا تحصیل مشغول‌اند، خانه‌داری، تربیت فرزند و همسر داری، امری ارزشی به شمار نمی‌آید (چیل، ۱۳۸۸: ۲۷)، بلکه این امور تنها به علایق شهروندی تبدیل می‌شود. این روند پس از مدتی به فردی شدن زندگی و فروپاشی خانواده می‌انجامد؛ زیرا وقتی خانواده ارزش نداشته باشد، زندگی مشترک به یک زندگی خصوصی فردی تقلیل می‌یابد و محدود کردن ارتباط اعضای خانواده، در طول زمان به نابودی خانواده منجر می‌شود (هیولت و وست، ۱۳۸۸: ۹۴؛ فاکس جنووز، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

کاهش حضور زن در خانه به سست شدن کانون خانواده می‌انجامد. بنابراین افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی می‌تواند روی پایداری و تنزل نهاد خانواده، آمار طلاق، نرخ تجرد قطعی و... تأثیرگذار باشد (ودادهیر، ۱۳۸۸: ۴۶؛ قدیر، ۱۳۸۰: ۹۶).

دوم. تغییر ساختار خانواده

در الگوهای سبک زندگی اسلامی، قوانین مشخصی درباره وظایف زن و مرد و انجام فعالیت‌های مربوط به زندگی زناشویی وجود دارد؛ اما با تحصیل زنان و مشارکت و کنترل آن‌ها بر منافع اقتصادی و ساختار خانواده و چگونگی توزیع و اعمال قدرت که متوجه

تصمیم‌گیری‌ها در خانواده است تغییر یافته است (اولسون^۱، ۱۹۶۹: ۵۴۷؛ کارلوسون^۲، ۱۳۸۸: ۶۳). بنابراین یکی دیگر از آسیب‌های خانوادگی تحصیل زنان که به سست شدن کانون خانواده منجر می‌شود، مسئله «تضعیف اقتدار مرد» است. زن خود را در جایگاه ایده‌پردازی می‌بیند و می‌خواهد در تمام امور نظر دهد و در تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته باشد. در این صورت جایگاه و اقتدار مرد متزلزل می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که هرگروهی برای ساماندهی کارها و حل مشکلات به رهبر و رئیس نیاز دارد، اگر در خانواده هم رئیس نباشد و زن تحصیل کرده در اداره امور خانه خود را برابر مرد بداند و به خود حق دخالت دهد، این مسئله روابط خانوادگی را متلاطم می‌سازد. این امر در ابعاد اجتماعی نیز مؤثر است؛ چرا که وقتی موقعیت حاکمیت مرد در منزل سست شد و همسر و فرزندان برای آن جایگاهی قائل نبودند، در محیط بزرگ‌تر - یعنی اجتماع - نیز تسلیم حاکم و رهبر جامعه نمی‌شوند و این‌گونه در گذر زمان، پایه‌های رهبری ولایت فقیه هم توسط همان خط‌شکنان متزلزل می‌گردد.

سوم. جدایی از طبیعت

منظور از این آسیب، کنترل و مهار طبیعت و فطرت خدادادی و در عین حال جدایی از قوانین حاکم بر طبیعت است. دو حوزه از این واقعیت عبارت‌اند از:

۱. کنترل موالید: خانواده از تولید مثل به شیوه طبیعی اجتناب می‌کند؛ چرا که ازدواج به طور طبیعی با تولد فرزندان همراه است (ناک، ۱۳۸۲: ۱۴). نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که زنان تحصیل کرده در مقایسه با زنان خانه‌دار در تعیین تعداد موالید نقش برجسته‌تر و تعیین کننده‌تری دارند. این جاست که کاهش تعداد فرزندان از یک سو و ارتقای فرزندمداری^۳ از سوی دیگر به آزادی زنان، مشارکت آنان در جامعه و در نتیجه ارتقای جایگاه‌شان در خانه می‌انجامد. در عین حال، این عنصر (جدایی از طبیعت) خود تحت تأثیر تحصیل زنان تقویت می‌گردد، تا آن‌جا که گاه به یک فرزند اکتفا می‌شود. البته افزایش مشارکت زنان در تحصیل می‌تواند از طریق افزایش سن ازدواج و سهم ایشان در نیروی کار جامعه، باعث کاهش باروری خانواده‌ها شود (MC Donald, 2002). پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد زنانی که برای تحصیل خود برنامه‌ریزی می‌کنند، انتظار فرزندان کمتری دارند؛ در واقع صاحب فرزندان

1. Olson
2. Carlson
3. filocentrism

کمتری می‌شوند، دیرتر ازدواج می‌کنند و احتمال این که بدون فرزند بمانند بیشتر است (بستان، ۱۳۸۳: ۷۲).

۲. فاصله بلوغ از زناشویی (افزایش سن ازدواج): این عنصر نیز به ظاهر در ارتقای جایگاه زنان در خانواده تأثیرگذار است؛ زیرا زنی که پس از انجام تحصیل در سطح بالا و در سنین بالاتر ازدواج می‌کند، هم به حقوق خود واقف است، هم از آن دفاع می‌کند و هم توان لازم برای دفاع را در اختیار دارد. بنابراین افزایش مشارکت زنان در تحصیلات و آموزش عالی می‌تواند نوع و گزینه‌های ازدواج و سن ازدواج افراد را تحت تأثیر قرار دهد. اما دختران تحصیل کرده در ازدواج خود از آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده و علاقه مند هستند بعد از اتمام تحصیلات یا دوره مورد نظر ازدواج کنند (بانکی پور فرد، ۱۳۸۹: ۱۹). بنابراین اگرچه در نگاه نخست، آمارهای رو به افزایش تحصیل زنان، نشان دهنده رشد علمی آنان است، اما از دیدگاهی کارشناسی و دقیق، تهدیدی جدی برای امنیت ملی در راستای شکل‌گیری نهاد خانواده به شمار می‌آید؛ زیرا از جمله پیامدهای آن، فقدان شوهران هم‌تا در آینده نزدیک برای بیش از ۳۰٪ بانوان تحصیل کرده است و این پدیده به معنای شکل‌گیری بحران اختلال در امر ازدواج برای بانوان تلقی می‌شود. بنابراین شرایطی متناقض‌گونه برای زنان پدید می‌آید، به این معنا که هر چه پیشرفت تحصیلی آنان افزایش یابد، زمینه محرومیت انسانی‌شان از تشکیل خانواده موفق بیشتر می‌شود.

در پژوهش‌های انجام شده نیز این آسیب به تأیید رسیده است؛ چنان‌که به عقیده شوئن و چونگ^۱، انصراف از ازدواج با افزایش سطح تحصیلات مرتبط است (Strong, 2088: 322). همچنین در میان فاکتورهای نظریه مدرنیزاسیون مبنی بر دلایل افزایش سن ازدواج، می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی اشاره کرد (آستین‌افشان، ۱۳۸۰: ۱۵). نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد گرایش به تحصیلات دو تا سه سال، به افزایش میانگین سن ازدواج منجر می‌شود (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۹۳). بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۷۵، میانگین سن ازدواج در ایران برای پسران تقریباً ۲۶ سال و برای دختران تقریباً ۲۳ سال بوده است. در واقع بلوغ با سن ازدواج در دختران و پسران دست‌کم ده سال فاصله دارد و پیش‌رسی ازدواج - یعنی ازدواج زیر بیست سال - در چهل سال گذشته برای دختران از ۴۱ درصد به ۱۸ درصد رسیده است.

1. Schoen & Cheng

تغییرات یاد شده نشان‌دهنده سیر پیش‌رونده تأخیر در ازدواج و افزایش فاصله بلوغ و ازدواج است (گلدوست عارفی، ۱۳۸۲: ۱۲). بنابراین فرایند جوانی، طولانی شده است و جوانی به دوران کم و بیش طولانی شده‌ای اطلاق می‌شود که در حد فاصل بلوغ جسمانی و بلوغ اجتماعی قرار دارد (محبوبی منش، ۱۳۸۱: ۷۰). اگر این آسیب برطرف نشود، پس از مدتی آسیب‌های دیگری از جمله خلل‌های روحی روانی در زنان را به همراه خواهد داشت؛ زیرا آنان فاقد هرگونه اسم و عنوانی در خانواده هستند (Friedan, 2001: 205) و هیچ نقش همسری و یا مادری که مقتضای فطرت‌شان است ندارد. از این رو بیشترین مراجعه‌کنندگان به روان‌شناسان (۶۶٪) را زنان مجرد تشکیل می‌دهند (Baran, 1989: 55).

ب) آسیب‌های اجتماعی

یکم. تغییر در سبک زندگی اسلامی

با افزایش رو به رشد تحصیل زنان، سبک زندگی سنتی تغییر یافته و به سبک زندگی مدرن مبدل شده است. از جمله این که نهادهای آموزشی - اعم از فرهنگ عمومی و دانش کلاسیک - در ایران با الگوبرداری از مدل‌های غربی، متولی اصلی در تربیت نسل‌ها به شمار می‌آیند؛ در حالی که پیش از این، مادران به تربیت فرزندان می‌پرداختند و بیشترین وقت خود را برای خانواده می‌گذاشتند. این دوری فرزند از مادر، سبب شده هجده‌های فرهنگی، عنان تربیت را از دست مادر خارج کرده و آن‌ها را در ایفای نقش خود دچار مشکل کند. افزایش سن ازدواج به دلیل افزایش گرایش زنان به تحصیل، خود آسیب‌هایی در پی دارد که این نیز به دلیل تغییر سبک زندگی است. تغییر در ساختار هرم قدرت در خانواده، تضعیف روابط زناشویی، خانوادگی و خویشاوندی در خانواده‌ها مشکلاتی است که تحصیل زنان به بار آورده است. اصلاح این سبک، به الزامات بیرونی و اصلاح هنجارهای متعددی نیاز دارد، اما پیش از همه خود زنان و خانواده‌ها باید با تغییر سبک زندگی خود و انتقال آن به سبک زندگی اسلامی، آسیب‌ها را از میان بردارند.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

اشتغال بانوان از جمله چیزهایی است که ما با آن موافقیم. بنده با انواع مشارکت‌های اجتماعی موافقم؛ زن‌ها نصف جامعه‌اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه این‌گونه مسائل استفاده کنیم؛ منتها دو سه اصل را باید ندیده نگرفت: یک اصل این است که این کار اساسی را - که کارخانه و خانواده و همسر و کدبانویی و

مادری است - تحت الشعاع قرار ندهد. دومین مسئله، مسئله محرم و نامحرم است؛ مسئله محرم و نامحرم در اسلام جدی است. البته بخش عمده‌ای از این قضیه محرم و نامحرم باز برمی‌گردد به خانواده؛ یعنی چشم پاک و دل بی‌وسوسه و ریب برای هر یک از زوجین موجب می‌شود که محیط خانواده از طرف او تقویت و گرم شود. (بیانات در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)

دوم. واگذاری کارکردهای خانوادگی به نهادهای هنجارساز

آموزش و پرورش، رسانه و مهدکودک‌ها بیشترین سهم را در همیاری زنان در مسیر تحصیل بر عهده دارند و بخشی از مهم‌ترین مسئولیت‌های زنان به عهده این نهادها گذاشته می‌شود که این کار آسیب‌هایی دربر دارد؛ زیرا آموزش پرورش - که تمام مسئولیت آموزش فرزند را به عهده می‌گیرد - پرورش دانش‌آموزان را متناسب با مدل آموزشی ادبیات توسعه برای رشد فناوری و تخصص تنظیم کرده است. در واقع سیستم آموزش و پرورش، پیچیدگی تکنولوژی را بیش از روابط انسانی به دانش‌آموزان می‌آموزد و این نظام آموزش مدرسه‌ای - که به ناچار بر پایه حضور اجباری در مدارس و برنامه درسی غیرمنعطف شکل می‌گیرد - دانش‌آموزان را به تماشاگران بی‌تفاوتی تبدیل می‌کند که تنها محتوای درسی را می‌بلعند (ایلیچ، ۱۳۸۸: ۱۰۴). در حال حاضر نهادهای آموزشی، با تحمیل هزینه‌های گزاف بر خانواده‌ها، مسئولیت خانواده‌ها را گران‌بارتر کرده‌اند؛ چرا که مشغله اصلی خانواده‌ها تأمین وضعیت تحصیلی فرزندان است. چنین مشغله‌ای امکان رسیدگی خانواده به مسائل دیگر فرزندان را از آن‌ها سلب می‌کند؛ در حالی که خانواده، مرکز اصلی پرورش انسان‌های اخلاقی است و مادر به عنوان مظهر عاطفه، ایثار و فداکاری، مربی اصلی فرزند به شمار می‌رود و او توان آموزش حقیقی به فرزندان خود را دارد.

دیگر نهادی که مسئولیت زنان در حال تحصیل را بر عهده دارد، مهدکودک‌ها هستند! سپردن کودکان به مهدکودک‌ها - آن هم در زمانی که او بیشترین نیاز را به مادر دارد - ممکن است اسباب بروز نابسامانی‌های روانی خاصی را در بزرگسالی فراهم آورد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۷۰، به نقل از عطارد، ۱۳۸۵: ۱۴۹). بزرگ‌ترین آسیب اجتماعی این مسئله، دگرگون کردن رابطه بین مادر و کودک است که فراگیر شدن آن ممکن است ساختار خود جامعه را نیز به طرز خطرناکی تغییر دهد (گاردنر، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

سوم. برابری جنسیتی

برابری آموزش زنان و مردان سبب شده آموزش زنان در قالب‌هایی مشابه با الگوی آموزش

مردان توسعه یابد و برنامه‌های آموزشی فارغ از جنسیت بریادگیری اطلاعات و مهارت‌هایی متمرکز شود که برای فعالیت در مراکز تولیدی، تحقیقاتی، خدماتی و سیاسی ضرورت دارد؛ اما اشباع فرصت‌های شغلی و افزایش رقابت‌های مربوط به آن، توسعه آموزش زنان را به لحاظ کیفی و کمی با تهدیدهای جدی روبه‌رو ساخته است. بنابراین آموزش زنان با انتظارات بازار شغل هماهنگ شده و آموزش معطوف به اشتغال، درگرو برآورد دقیق فرصت‌های شغلی و برنامه‌ریزی برای افزایش آن‌هاست.

۲. راهکارهایی برای ایفای نقش زنان زمینه‌ساز ظهور

آسیب‌های تحصیل زنان - که در بخش نخست مورد تبیین و بررسی قرار گرفت - زمانی قابل برطرف شدن است که بدانیم زنان جزو گروهی از منتظران حکومت مهدی عج و از زمینه‌سازان ظهور هستند، در جامعه رسالتی بزرگ دارند و باید در جهت دگرسازی آن بکوشند. آنان با تبلیغ دین و اصلاح جامعه و با ترویج اخلاق و فضایل، درصدد مهیا کردن یک جامعه ایده‌آل مهدی‌پسند هستند و با دعوت به دین خدا و توجه دادن به مهدی عج و انجام وظایف، روح امید را در جامعه بشری زنده می‌کنند. از این‌رو در ادامه به ارائه مهم‌ترین راهکارها برای ایفای نقش زنان زمینه‌ساز ظهور می‌پردازیم:

الف) زمینه‌سازی در خانواده

اگر اعضای خانواده به حال خود رها شوند و زن و شوهر به دنبال خواسته‌های خود بروند، اجتماع به صورت ناموزون و ناهماهنگ درمی‌آید و هرج و مرج و بی‌بندوباری بر آن حاکم خواهد شد؛ زیرا اجتماع، وابسته به خانواده و تربیت خانوادگی است که آن نیز مرهون زحمات و تلاش و فداکاری مادر و زن خانواده است. از آن‌جا که اصلاح جامعه، به اصلاح فرد وابسته است، تا فرد اصلاح نشود، جامعه نیز اصلاح نخواهد شد و در این اصلاح، نقش زن در خانواده، اهمیتی بسزا دارد. به طور کلی، اجتماع همان ویژگی‌های افرادش را به خود می‌گیرد و وقتی محیط سالم می‌شود که افراد آن جامعه، مردمی پرهیزگار باشند و پیوسته در راه اصلاح، قدم بردارند. این حرکت تربیتی و اخلاقی در جامعه نشان‌گر وجود زنان و مادرانی است که مردانی باایمان و باتقوا را در خانواده و در دامان پر مهر خویش می‌پروراندند.

زن به منزله موجودی که خداوند در آفرینش او هدفی والا دنبال کرده، از ابتدا در جهت زمینه‌سازی ظهور، در کانون گرم خانواده با پیروی از حضرت زهرا ع نمونه‌های اخلاقی و دینی

را تحویل جامعه می‌دهد تا به هدف اصلی خود - که پرورش نسل منتظر است - برسد. زن، رکن اساسی و عنصر اصلی خانواده است و اسلام برای نقش زن در خانواده، اهمیت بسیاری قائل است؛ زیرا با پای بندی زن به خانواده و تربیت فرزندان در آغوش پرمهر مادر، نسل‌ها در آن جامعه بالنده و رشید خواهند شد. بنابراین یکی از مهم‌ترین نقش‌های زن در زمینه‌سازی ظهور، تربیت نسل منتظر است.

یکم. تربیت نسل منتظر

در مسیر تربیت نسل منتظر، زنانی که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، باید نقشی سازنده داشته باشند. انقلاب جهانی امام مهدی عج همچون هر نهضت و انقلاب دیگر، بدون مقدمه و زمینه‌سازی به پیروزی نخواهد رسید؛ زیرا انقلاب جهانی حضرت مهم‌ترین انقلاب‌های جهانی است. تربیت نسل منتظر، از جمله موارد زمینه‌سازی برای این نهضت بزرگ است که مهم‌ترین وظیفه زنان باایمان به شمار می‌آید؛ زنانی که تنها به آماده شدن خود برای استقبال از امام عصر عج کفایت نمی‌کنند، بلکه خود را موظف به ایجاد زمینه‌سازی در دیگران نیز می‌دانند و به تربیت منتظران واقعی می‌پردازند. آنان در این مسیر، با احساس تکلیف نسبت به این وظیفه بزرگ، به بهانه ادامه تحصیل و اشتغال، از مسئولیت‌شان خالی نمی‌کنند. زنان منتظر راستین با ادای چنین تکلیفی راه یاری رساندن به امام خویش در زمان غیبت را می‌یابند. اگر همه بانوان در انجام این هدف کوشا و پرتلاش باشند، افزون بر این که خود جزو یاران امام عج قرار می‌گیرند، صف یاران حضرت را نیز پرشمارتر می‌کنند.

دامان مادر، نخستین مدرسه و پایگاه تربیتی است که کودک در آن علم و اخلاق و دین می‌آموزد و این امر مخصوصاً باید در سال‌های اول زندگی پایه‌گذاری شود (قائمی، ۱۳۶۸: ۱۴۹). از آن‌جا که تولید مثل و بقای نسل مهم‌ترین هدف تشکیل خانواده به شمار می‌رود (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ۳۰ - ۳۳)، یکی از راهبردهای اصولی کاهش آسیب‌ها در این وادی، توجه خاص زنان به این امر است؛ به ویژه آن‌که امروزه جامعه ما با کاهش رشد جمعیت نیز روبه‌روست و از فرامین مقام معظم رهبری، حل این مسئله است. اصولاً مادری در زنان ضرورتی حیاتی است و فرزندان که در دامن مادر تربیت نشوند و به دلیل تحصیل مادر، به مهد کودک‌ها سپرده شوند، ناقص‌اند و اعتماد به نفس ندارند (حکیمی، ۱۳۸۱: ۹) بنابراین هدف زنان از تحصیل، باید تبدیل شدن به مادرانی لایق برای پرورش فرزند باشد، نه برای این که دکتر یا استاد شوند (کارل، ۱۳۵۴: ۱۰۳).

رهبر فرزانه انقلاب در این باره فرموده‌اند:

این (پرورش فرزند) جایگزین ندارد. زن اگر بچه خود را در خانه تربیت نکرد، یا اگر بچه نیاورد، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخ‌های ابریشم ظریف تراست - با سرانگشتان خود باز نکرد تا دچار عقده [عاطفی] نشود، هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد و تعیین با این است. (بیانات در تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۹۰)

اصولاً شخصیت و ارزش هر کس به این است که وظایف فطری و طبیعی‌اش را درست انجام دهد. وظیفه تربیتی مادران، بسیار مهم‌تر از تحصیلات عالی‌بی نتیجه است. تحصیل مادر هر چقدر هم بالا باشد، نمی‌تواند خلأ آغوش مادر را برای فرزند جبران کند. بنابراین نباید تحصیل مادر، در تربیت فرزند خلل ایجاد کند و فرع فدای اصل شود. برای اسلام هم تعالی بشر و انجام وظایفی که به هر کسی متوجه است، مطرح است. (بیانات در تاریخ ۳۰/۷/۷۶)

بنابراین هیچ‌کس تأثیر مثبت تحصیل زنان در خانواده و جامعه را انکار نمی‌کند؛ اما موفقیت زنان در امر تحصیل نباید با کوتاه‌بینی، کم‌بهایبی و بی‌ارزشی به نقش همسری و مادری‌شان همراه باشد؛ چون مادران و زنان خانه‌دار واقعی، مسئولیت‌های سنگین‌تری بر عهده دارند (بورک، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

زندگی کودک با ارتباط زیستی میان او و مادرش آغاز می‌شود. این ارتباط نه تنها در رفع نیازهای کودک مؤثر است، بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می‌گذارد. اصولاً رشد طبیعی و روانی کودک در درجه نخست، به وجود مادر وابسته است و وی تا مدتی طولانی، عمده‌ترین نقش را در زندگی بازی می‌کند (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵: ۸۵۸). روان‌شناسان معتقدند وجود مادر در خانه - به‌ویژه در یکی دو سال اول زندگی - لازم است و این به سبب دل‌بستگی عاطفی کودک به مادر است. بنابراین پیشنهاد می‌شود مادران در یکی دو سال نخست زندگی کودک به تحصیل مشغول نشوند. امام خمینی علیه السلام بر اساس یک بینش ژرف انسان‌شناسانه و با عقیده‌ای عمیق به اسلام و هدف آن - یعنی تربیت انسان و با اعتقاد به شرافت والای شغل انسان‌سازی که شغل انبیاء است - شغل اول زنان را مادری می‌دانست و دیگر امور را در درجه بعد قرار می‌داد:

دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آن جا تربیت می‌شود. آن‌چه که بچه از مادر می‌شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم؛ در دامن مادر بهتر تربیت می‌شود تا در جوار پدر، تا در جوار معلم. یک وظیفه انسانی

است، یک وظیفه الهی است، یک امر شریف است، انسان درست کردن است. (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۷، ۲۴۰)

این مادر - که بچه در دامن او بزرگ می‌شود - بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد و شریف‌ترین شغل را دارد؛ شغل بچه‌داری. (همو: ج ۶، ۲۶۱)

دوم. پویایی ارتباطات خانوادگی

زنانی که در مسیر تحصیل قرار گرفته‌اند، باید مدیریت روابط خود با اعضای خانواده را به گونه‌ای کنترل کنند که ضمن در امان ماندن از آسیب‌های مسیر تحصیل، به نقش زمینه‌سازی ظهور نیز بپردازند. از این رو توجه زن به اصلی‌ترین وظیفه خود - یعنی همسر داری که در کتاب و سنت همواره مورد تأکید قرار گرفته است - جایگاهی ویژه دارد (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۱۰). این وظیفه از نظر ارزش، معادل دشوارترین تکلیف مردان - یعنی جهاد - شمرده شده است؛ لذا زن باید همیشه برای انجام این وظیفه شرعی و قانونی آماده باشد (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۰، ۱۷۶) که در این صورت، مردان در محیط اجتماع به دنبال ارضای نیازهای خود نخواهند بود و در نتیجه زن با انجام این راهکار، جامعه را از فساد نجات داده و زمینه‌سازی ظهور را فراهم کرده است. اما اگر به دلیل دغدغه‌های تحصیلی زن، نیازهای طبیعی مرد در خانه به درستی اشباع نگردد، به ناچار باید در خارج از محیط خانه، به گونه‌های مختلف برآورده شود یا این که مرد با این محرومیت بسازد که این مسئله سبب بروز آسیب‌های روحی و روانی بسیار می‌شود و زیان‌های فردی و اجتماعی به بار می‌آورد (قطب، ۱۹۶۳: ۱۱۲ - ۱۱۵).

رهبر انقلاب در مراسم عقد دو زوج جوان فرمودند:

اسلام مرد را قوام^۱ و زن را ریحان^۲ می‌داند. این نه جسارت به زن است و نه جسارت به مرد؛ نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد؛ بلکه درست دیدن طبیعت آن‌هاست. ترازوی آن‌ها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم و این جنس مدیریت و کارکرد و محل اعتماد و اتکا بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شود؛ نه آن‌ها بر این ترجیح دارد و نه این بر آن. (بیانات در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۲)

یکی از ابعاد این موضوع، اطاعت زن از مرد است و این که او با هر مدرک تحصیلی، مطیع و

۱. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ». (نساء: ۳۴)

۲. اشاره به حدیث معروف امام علی علیه السلام: «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ». (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱۰۰، ۲۵۳)

فرمان بردار همسر خود باشد. مفهوم قوام بودن مرد نسبت به امور خانواده و همسر، یعنی پذیرفتن مسئولیت گردانندگی امور زندگی بر اساس موازین حقوقی و اخلاقی که بر این اساس رسالت سنگین حاکمیت و ریاست زندگی به مرد واگذار می شود (میرخانی، ۱۳۸۰: ۱۵۳). بنابراین تحصیل زن نباید اقتدار مرد را از بین ببرد. اگر زن در محیط خانه از همسر خود اطاعت کند، زمینه ظهور در خود او نهادینه می شود و در زمان ظهور نیز از امام زمان علیه السلام پیروی خواهد کرد.

سوم. تکامل گرایی زنان

تکامل گرایی زنان به معنای حضور آنان در تحقق ارزش ها، ارتقای تفکرات و تعالی رفتار عمومی جامعه است. پیشرفت زنان تنها به ادامه تحصیل آنان محدود نمی شود، بلکه آنان - همچنان که خود را در ارتقای سطح علمی و فهم عمومی جامعه مؤثر می دانند - باید خویش را در تغییر ارزش ها، باورها و اخلاقیات جامعه و زمینه سازی ظهور، عنصری مؤثر به شمار آورند. مقام معظم رهبری در تبیین نقش پررنگ زنان در جامعه اسلامی فرموده اند:

زنان مسلمان باید بدانند که امروز سنگربان ارزش های اسلامی در برابر وضع جاهلی دنیای غرب هستند و باید با پرورش اسلامی و پیشتاز شدن در میدان علم، فرهنگ، سیاست و اقتصاد از حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت کنند. (بیانات در تاریخ ۷/۳۰/۷۶)

زن از مسند مسئولیتش در خانه می تواند تکامل گرایی خود را به افراد خانواده و با واسطه به اجتماع منتقل نماید. از این رو خانه داری، حلقه لازم و مکمل تکامل گرایی زنان به شمار می رود. بنابراین وجود این ویژگی در زنان، به معنای حضور آنان در حمایت مستقیم از نظام ولایت در جامعه اسلامی است؛ زیرا تکامل گرایی زن به معنای نقش آفرینی او در تعریف و تحقق سبک زندگی اسلامی- ایرانی است. حضرت امام خمینی علیه السلام می فرمایند:

خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم و همه کس بالاتر است و امری است که انبیا می خواستند. (خمینی، ۱۳۷۴: ۱۳۳)

بنابراین اگر زنان جامعه، تکامل گرا نباشند و تنها به تحصیل خود بیندیشند، توان زمینه سازی برای حرکت سایر اجزای مجموعه در حمایت از نظام ولایت و آمادگی ظهور را از دست می دهند.

چهارم. اثربخشی زن در خانه

رهبر انقلاب درباره اهمیت بالای مدیریت کدبانوی خانه چنین می گویند:

وظایف داخل خانه زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه زحمتش کمتر؛ شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای این که این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد؛ چون مدیر داخل خانه زنان هستند. آن کسی که اداره می کند، کدبانو، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراف اوست؛ تحت نظارت و تدبیر و مدیریت اوست. خیلی کار پرزحمتی است؛ خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافت زنانه از عهده انجام این کار برمی آید. هیچ مردی امکان ندارد بتواند این ظرافت ها را رعایت کند. (بیانات در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۶)

در آموزه های دینی نیز توصیه به خانه داری مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

هر زنی که در خانه همسر خود کاری انجام داده و جابه جایی انجام دهد و هدف او اصلاح امور خانواده باشد، خداوند براو نظر رحمت می افکند و هر کس خدا براو نظر رحمت کند هرگز عذاب نخواهد شد. (صدوق، ۱۴۰۴: ۴۱۱)

ب) زمینه سازی در اجتماع

یکم. مدرسه

تربیت و پرورش فرزندان در مدرسه به دست والدین و مربیان است. یک زن در مرحله نخست به منزله مادر نمونه و در مرحله دوم به عنوان معلم و مربی نمونه، مسئولیتی خطیر بر عهده دارد تا بتواند رسالت خود را به بهترین شکل به انجام رساند. در مدرسه، فرزند (کودک) آن قدر رشد کرده است که بتواند مفاهیم را درک کند و برای یادگیری مطالب از هر جهت آماده است. بنابراین باید به او مفاهیمی خوب بیاموزیم و آینده ای روشن، همراه با حرکت صحیح نشانش دهیم. به همین سبب، اسلام مقرر می دارد که برای تربیت و پرورش افراد در راستای شکوفایی استعدادها و جلوگیری از هرز رفتن توانایی هایشان باید محیطی سالم به وجود آید و این محیط سالم، جز با افرادی چون زنان و مردان باایمان و باتقوا که در زندگی فرزندان صالح پرورش می دهند و در جامعه و محیط مدرسه، آینده سازانی صالح و زمینه سازان ظهور را می سازند، پدید نمی آید.

در قرآن مجید آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾؛ (تحریم: ۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید خود و فرزندان تان را از [عذاب] آتش حفظ کنید.

یعنی برای فرزندان و وابستگان خود محیطی سالم به وجود آورید تا از فساد و تبهکاری

برکنار باشند و در نتیجه از آثار آن - که عذاب الهی است - حفظ شوند. از این رو بر زنان است که کودکان و فرزندان جامعه را در محیط سالم مدرسه، با روحی پاک و اخلاقی نیکو پرورش دهند تا با تربیت و آمادگی این انسان‌های پاک، در آینده بر یاران و زمینه‌سازان ظهور افزوده گردد.

دوم. در جامعه

زن، سازنده زیربنای اخلاقی جامعه است و پایه‌های اخلاقی را در ذهن افراد استوار می‌سازد و با تربیت اخلاقی خود، انسان‌هایی تحویل جامعه می‌دهد که بتوانند در آینده جامعه، نقشی مهم ایفا کنند و جزو گروه منتظران راستین باشند. بنابراین، زن در نقش مادر، همسر و معلمی دلسوز در جامعه مدیریت می‌کند و پایه‌های خوشبختی یا بدبختی مردان دنیا را بنا می‌گذارد و سرنوشت جامعه به دست زنان رقم می‌خورد. زن می‌تواند جامعه‌ای پاک با افرادی صالح پدید آورد. او در نظام اجتماعی با ادامه تحصیل یا پذیرش پایگاه اجتماعی یا مشاغل اعتباری، نقش‌های گوناگونی برعهده می‌گیرد که اگر همه نقش‌ها در مجموع، یک مفهوم را داشته باشند و آن کمک به انسانیت انسان و زمینه‌سازی ظهور باشد، فرد برای کمک به ظهور آماده می‌شود.

از جمله مسئولیت‌های زنان در جامعه اسلامی و منتظر، ایجاد انگیزه و امید در منتظران است که زمینه تلاش و ایثارگری را در آن‌ها به وجود خواهد آورد. زنان می‌توانند با برنامه‌هایی مناسب، سمبلی برای ایجاد تحول فرهنگ، اتحاد، پایداری در زمان، اتصال به رهبر و حضور در صحنه‌های اجتماعی برای جوانان در جامعه باشند. زنان با حجاب اسلامی خود - که نمونه بارز یک زن مسلمان و باایمان است - می‌توانند در جامعه، الگویی برای دختران، زنان و منتظران ظهور باشند؛ چون انتظار به منزله دیدگاهی جامع و فراگیر می‌تواند همه انگیزه‌های افراد را تحت پوشش قرار دهد و زمینه رشد آنان را فراهم سازد. حجاب یک زن مسلمان، لباس این انتظار است که او با انتخاب ظاهری معنوی، همچون سربازی لبیک‌گو به ندای مذهب پاسخ می‌دهد و با این کار، خود و جامعه را در تحولی بزرگ، سهیم و آماده می‌سازند. حرکت زنان در توسعه تفکر دینی، نقشی تعیین‌کننده دارد؛ به گونه‌ای که قدرت تصمیم‌گیری فرهنگی آنان بیشتر از مردان مؤمن است. زن مسلمان، علاوه بر خانه و مدرسه، در جامعه نیز نقشی بزرگ بر عهده دارد. از جمله نقش‌های او حجاب اسلامی است که در این راه، با تحکیم بخشیدن به این امر مهم و امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند جامعه را به بهترین شکل آماده ظهور کند. بنابراین نقش زنان در عصر غیبت، در حقیقت به مفهوم آماده‌سازی جامعه برای تحول‌آفرینی،

نشانه قدرت فرهنگی زنان منتظر است و در دوران غیبت، یاران و منتظران امام زمان علیه السلام - از جمله زنان منتظر - باید همیشه و در همه حال در صحنه‌های اجتماعی حضور داشته باشند و در راه اصلاح جامعه بکوشند.

نتیجه

نوشتار حاضر، نتیجه بررسی کتب، مقالات، مستندات، آمار، ارقام و پژوهش‌های علمی درباره تحصیل زنان و زمینه‌سازی ظهور است. از این مجموعه دریافتیم که تحصیل زنان، مصلحت‌های مهمی در خانواده و اجتماع در پی دارد و در عین حال می‌تواند مخاطراتی را برای سبک زندگی اسلامی به وجود آورد که نباید به سادگی از کنار آن‌ها گذشت. امروزه دنیا به حضور و مشارکت جدی زنان در عرصه علم و فناوری به منزله یکی از اصلی‌ترین و کارآمدترین روش‌های اجرایی برای دستیابی به توسعه پایدار جوامع می‌نگرد و از آن‌جا که خانواده در نظام جمهوری اسلامی با حاکمیت ساختارهای ادبیات توسعه، در محیط مدرنیته زندگی می‌کند و در نظام مدرنیته زن بیش از این که نقش همسری و مادری داشته باشد، درگیر تحصیل و سپس اشتغال شده است، این تأثیر ناخودآگاه الگوی زنان جامعه ما قرار گرفته و در پی آن، آسیب‌های بسیاری به وجود آورده است. بنابراین از نظر نگارنده، راه برون‌رفت از این بحران، پس از شناسایی دقیق آسیب‌های موجود، به‌کارگیری راهبردهای مطرح شده درباره نقش زنان در زمینه‌سازی ظهور است.

آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی موجود در مسیر تحصیل زنان، چالشی عمده برای آنان به شمار می‌آید. از این رو از جمله این راهکارها، کارآمد کردن تحصیل زنان با نگرش جامع بر تمام ابعاد، با رویکرد زمینه‌سازی ظهور است که در این مقاله، راهبردهای گوناگونی ارائه شد؛ از جمله نقش زمینه‌سازی زن در خانواده (تربیت نسل منتظر، پویایی ارتباطات خانوادگی، تکامل‌گرایی زنان و اثربخشی در خانه) و در اجتماع (مدرسه و جامعه).

خانه‌داری بستر فرهنگ‌سازی و اصلاح اجتماع و رشد انسان‌هاست و اداره این کانون حساس زندگی و کلاس تعلیم و تربیت اجتماعی بیشتر به دوش بانوان است. از این رو باید زن در کنار انجام وظایف اصلی خویش اگر فرصت دیگری یافت، به ادامه تحصیل خود پردازد تا در دیگر نقش‌های اصلی اش خلل وارد نشود؛ زیرا در سبک زندگی ایرانی اسلامی به طور حتم اولویت با خانواده است. اگر زنی در تحصیلات خود بسیار پیشرفت کند، اما مادر خوبی برای

فرزندانش نباشد، در حقیقت موفقیت او در زندگی شخصی اش تأثیری نداشته است. زن تحصیل می‌کند تا نسل موفق منتظری تربیت کند؛ اگر قرار باشد زمان مفید زندگی خود را تنها برای تحصیل سپری کرده و در پی آن، فرزند خود را به دستان پرستار بسپارد، هرچند در ظاهر در مسیر تحصیل موفق شده، اما در اصل، انسانی بی‌ثمر است. اسلام دین تعادل است و زن مسلمان باید در همه جنبه‌های زندگی تعادل برقرار کند. اگر او تنها به یک جنبه توجه کند و از ابعاد دیگر غافل شود، هرگز موفق نخواهد بود. در حقیقت، هدف سبک زندگی اسلامی - ایرانی این است که بر اساس آموزه‌های اسلامی، همه تلاش‌ها در خدمت یک مجموعه بزرگ به نام «خانواده» قرار گیرد و موجب نشاط، سلامتی، پویایی و بالندگی خانواده باشد و خانواده‌ها نیز زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام باشند.

منابع

- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- احساسی، ابن ابی جمهور، *عوالی الثالی*، قم، بی نا، ۱۴۰۳ق.
- اولسون، دیوید و دیگران، *مهارت‌های ازدواج و ارتباط زناشویی کارآمد*، ترجمه: رضا بحیرایی، تهران، نشر روان شناسی و هنر، ۱۳۸۸ش.
- ایلچیج، ایوان، «ایوان ایلچیج و آموزش فارغ از مدرسه»، *مجموعه مقالات خانواده آموزش و فرهنگ*، تهران، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸ش.
- آذربایجانی، مسعود، «اسلام و اشتغال زنان»، فصل نامه تخصصی *طهورا* در عرصه مطالعات زنان و خانواده، سال دوم، ش ۴، ۱۳۸۸ش.
- آستین افشان، پروانه، *بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن، طی سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۷۷* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ش.
- بانکی پور فرد، امیرحسین، *مطلع مهر؛ راهکارهای جامع و کاربردی انتخاب همسر*، اصفهان، نشر حدیث راه عشق، چاپ پنجاه و چهارم، ۱۳۸۹ش.
- بستان، حسین، *اسلام و جامعه شناسی خانواده*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
- بورک، رابرت، *در سرائشیبی به سوی گومورا*، ترجمه: الهه هاشمی، تهران، نشر حکمت، ۱۳۷۸ش.
- بی ریا، ناصر و دیگران *روان شناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، سمت، ۱۳۷۵ش.
- چیل، دیوید، *خانواده‌ها در دنیای امروز*، محمد مهدی لیبی، تهران، نشر نقد افکار، ۱۳۸۸ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ق.
- حکیمی، محمد، *دفاع از حقوق زن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱ش.
- خمینی، سید روح الله، *جایگاه زن در اندیشه امام خمینی*، قم، مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۴ش.
- _____، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.

- ساروخانی، باقر، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران، نشر سروش، ۱۳۷۰ ش.
- سوبارائو، ان. اس، *سهم زنان در آموزش عالی (پیشرفت‌ها، محدودیت‌ها و اقدامات نویدبخش)*، ترجمه: محمدرضا کرامتی، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۷ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، *الامالی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
- _____، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ق.
- عطارد، فاطمه، «اشتغال زن؛ پیامدها و راهکارها»، فصل‌نامه *بانوان شیعه*، سال سوم، ش ۸، ۱۳۸۵ ش.
- فاکس جنووز، الیزابت، «زنان و آینده خانواده»، ترجمه: محمد تراهی، *مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده*، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۶ ش.
- قانع‌راد، محمدامین؛ فرهاد خسروخارو، «نگاهی به عوامل فرهنگی افزایش ورود دختران به دانشگاه‌ها»، *پژوهش زنان*، دوره چهارم، ش ۴، ۱۳۸۵ ش.
- قائمی، علی، *نقش مادر در تربیت*، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۸ ش.
- قدیر، محسن، «اشتغال زنان از منظر اسلام و غرب»، *مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت‌ها و رویکردها*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۵ ش.
- قطب، سید محمد، *شبهات حول الاسلام*، نجف، دارالنعمان، ۱۹۶۳ م.
- کارل، الکسیس، *انسان، موجود ناشناخته*، ترجمه: پرویز دبیری، افسست، ۱۳۵۴ ش.
- کارلوسون، جان؛ لن اسپری؛ جودیت لوپس، *خانواده درمانی*، ترجمه: شکوه نوابی نژاد، تهران، انتشارات سازمان اولیا و مربیان، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- کاظمی پور، شهلا، «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای این نوع از ازدواج‌ها با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی»، فصل‌نامه علمی - ترویجی *دانشگاه اسلامی*، سال سیزدهم، ۱۳۸۸ ش.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- کینگ، الیزابت؛ آن هیل، *نقش آموزش زنان در توسعه اقتصادی*، ترجمه: غلامرضا آزاد، تهران: روشنگران، ۱۳۷۶ ش.
- گاردنر، ویلیام، *جنگ علیه خانواده*، ترجمه: معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶ ش.
- گلدوست عارفی، عباس، «تنهایی، زنگ خطر تباهی»، *روزنامه جام‌جم*، ۱۳۸۲/۷/۲۲.

- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، بی نا، ۱۴۰۴ق.
- محبوبی منش، حسین، «بررسی وضعیت اعتیاد به مواد مخدر جوانان»، گزارش ملی جوانان، نشر سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱ش.
- میرخانی، عزت السادات، رویکردی نوین در روابط خانواده، تهران، سفیر صبح، ۱۳۸۰ش.
- ناک، استیون، ازدواج در زندگی مردان، ترجمه: سعید غفاری، انتشارات گوهر کمال، ۱۳۸۲ش.
- ودادهیر، ابوعلی، «زنان و آموزش عالی؛ تکوین هویتی نوین برای زنان در آموزش عالی ایران»، فصل نامه کتاب زنان، ش ۱۵، ۱۳۸۸ش.
- هیولت، سیلویا؛ کورنل وست، جنگ علیه والدین، ترجمه: معصومه محمدی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ش.
- Baran, Annette, Lethal secret. Grand central, 1989.
- Friedan, betty, Feminine mystique. W.W.nortin & company, 2001.
- MC Donald, p, Low Fertility' Unifying the Theory and the Demography, 82.Tehran, University of Tehran, The Faculty of Social Sciences, Lecturing at the Department of Demography, 23 April, 2002.
- Strong, Bryan, The Marriage and Family Experience. Thomson higher Education, 10 Davids, Belmont, C.A 942002 – 3098, 2008.